

موبایل در مدرسه آزاد شد

جامعه پدیا

تا همین چند وقت پیش اگر دانش آموزی با موبایل وارد مدرسه می شد، ممکن بود حسابی به دردرس بیفتد. حالا اما در اصلاح آیین نامه اجرایی مدارس، برای تلفن همراه دانش آموزان جای مشخصی در نظر گرفته شده است؛ خبری که در نگاه اول شبیه آزادشدن موبایل در مدرسه است، اما جزئیاتش نشان می دهد ماجرا کمی متفاوت است.

موسی الرضا کفاش، معاون دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش، درباره این تغییر توضیح می دهد که قرار نیست دانش آموزان از این به بعد آزادانه موبایل را سر کلاس روی میز بگذارند و هر کاری که خواستند انجام دهند. در آیین نامه جدید، تصمیم درباره آوردن تلفن همراه به مدرسه، محل نگهداری آن، زمان استفاده و حتی برخورد با تخلف، به شورای مدرسه سپرده شده است؛ یعنی هر مدرسه می تواند متناسب با شرایط خودش درباره موبایل تصمیم بگیرد. البته یک استثنا هم وجود دارد؛ استفاده از تلفن همراه در کلاس، اگر برای یک فعالیت آموزشی مشخص و در راستای برنامه درسی باشد، با نظر معلم و برای مدت محدود امکان پذیر است.

کفاش تأکید می کند که در اینجا قرار نیست موبایل جای معلم را بگیرد یا دانش آموز دسترسی بی حساب و کتاب به فضای مجازی داشته باشد. اتفاقا مرجع اصلی همچنان معلم است؛ اگر معلم تشخیص بدهد استفاده از موبایل به یادگیری کمک می کند، می تواند برای زمان مشخص اجازه استفاده بدهد و اگر نیازی نبیند، استفاده ای در کار نخواهد بود. به گفته او، البته این آیین نامه هنوز به مدارس ابلاغ نشده و در حال طی مراحل نهایی بررسی و تأیید است. در واقع، فلسفه این تغییرات این است که اگر قرار دانش آموز را از درس برت کند، در خدمت یادگیری و امنیت مدرسه باشد. اما موبایل تنها تغییر مورد بحث این روزها در مدارس نیست. دوربین های مدار بسته هم در اصلاح آیین نامه مورد توجه قرار گرفته اند. کفاش در این باره به همشهری می گوید: نصب دوربین در فضاهایی مثل حیاط، راهرو، کارگاه و آژ مایشگاه با هدف افزایش امنیت مدارس امکان پذیر است، اما درباره کلاس درس، نصب دوربین قواعد سختگیرانه تری دارد. به گفته او قرار نیست کلاس های درس به طور دائمی زیر چشم دوربین باشند.

مراحل برخورد با پوشاندن پلاک

۱

مأموران وسیله نقلیه را متوقف و مشخصات آن را در پایگاه داده بررسی می کنند.

۲

محل و زمان وقوع تخلف جدید ثبت می شود.

۳

برگه جریمه ۷۰۰ هزار تومانی برای راننده صادر می شود.

۴

پوشش پلاک برداشته می شود.

۵

در تخلف های شدید، خودرو به پارکینگ و راننده به کلاس های بازآموزی فرستاده می شود.

۶

در موارد خاص تنها به تذکر شفاهی اکتفا می شود.

پلاک پوش ها نقره داغ می شوند

از ابتدای امسال ۲۷۱ هزار پلاک مخدوش جریمه شده اند



جامعه امروز

محمد سرابی | روزنامه نگار | راننده هایی که پلاک خودرویشان را می پوشانند قصد دارند تخلف انجام دهند، در دست مانند کسی که در جای نامناسب نقاب به صورت زده و دستکش به دست کرده است. فرض اولیه پوشاندن پلاک خودرو، زمینه سازی برای انجام عمل غیر قانونی است؛ حال به هر روشی که انجام شود. جریمه این کار هم پرداخت ۷۰۰ هزار تومان است که برگه جریمه آن از اول سال برای بیش از ۲۷۰ هزار راننده صادر شده است. یعنی اگر همه این راننده ها مبلغ کامل جریمه را پرداخت کرده باشند، نزدیک به ۱۹۰ میلیارد تومان خرج پوشاندن پلاک ها شده است. آنها که روی پلاک پارچه می اندازند، ماسک کاغذی می بندند، پلاستیک گره می زنند و از زیر دوربین های ترافیکی می گذرند، خودروهایشان را از مدار هر قانونی خارج کرده اند، اما قرار نیست وضعیت همینطور باقی بماند. قرارگاه ویژه کنترل و برخورد با تخلفات پلاک در تهران تشکیل شده و برخی از گشت های راهور سطح شهر به شکل ویژه وظیفه برخورد با این تخلف را دارند. باید دید در ماه های پیش رو جریمه ۷۰۰ هزار تومانی ادامه پیدا می کند یا طبق قانون شاهد اجرای حکم زندان ۶ ماهه و یک ساله برای پوشاندن پلاک خواهیم بود.

قرارگاه پلاک مخدوش

اگر یک بار شاهد تخلف خودروی پلاک مخدوش باشید و ببینید که چطور از اعمال قانون می گریزد، دلیل نیاز به برخورد پلیس را احساس می کنید. سرهنگ احسان مومنی، معاون عملیات پلیس راهور تهران بزرگ رویکرد جدید پلیس را درباره پلاک های مخدوش تشریح کرده است. او گفته است: «وقتی راننده ای پلاک خود را دستکاری یا مخدوش یا اقدام به پوشش آن می کند، مسلماً قصد دارد مرتکب تخلفی شود، حرکات مخاطره آمیز یا سرعت غیرمجاز داشته باشد یا سایر تخلفات را انجام دهد، و همین امر باعث برهم خوردن نظم و به خطر افتادن امنیت خانواده ها و سایر وسایل نقلیه می شود.» به گفته مومنی، پلیس راهور به دلیل اهمیت پلاک و برای حفظ حقوق شهروندی، نظم و آرامش در سطح معابر و کاهش تصادفات، به صورت ویژه با تخلفات پلاک برخورد می کند. قرارگاه ویژه کنترل و برخورد با تخلفات پلاک برای همین تشکیل شده است.

ورودی های طرح ترافیک

از وقتی که دوربین های پلاک خوان شروع به کار کردند، انواع روش های تقلب هم رایج شد. اوایل مشکل اصلی محدوده طرح ترافیک بود. راننده ها تصور می کردند ورود به طرح به همین سادگی است که روی پلاک اسبیری برف شادی بزنند و کمی بعدتر پوشش سفید رنگ روی شماره ها بکار شود و آنها هم با خیال راحت به حرکت ادامه دهند. اما پلیس راهور بهتر از آنها ورودی های طرح و نقاط پرتخلف را می شناسد. گاهی همان جایی که عملیات پوشاندن پلاک اجرا می شود، مأمور پلیس ایستاده است. مأمور را نمی شود مثل دوربین جا گذاشت و رفت. هنوز هم ورود به طرح ترافیک جریمه سنگینی از ۱۷۴ تا ۲۲۵ هزار تومان دارد، اما مشکل مخدوش کردن پلاک خیلی بزرگ تر از شلوغی و ترافیک خیابان های مرکزی است.

۱۴۰۵ سال ۷ ماه امسال

اعمال قانون پلاک در سال

۲۷۱ هزار فقره

مجموع اعمال قانون کل تخلفات پلاک

۱۰۸ هزار فقره

اعمال قانون تخلفات پلاک موتورسیکلت

۱۶۳ هزار فقره

اعمال قانون تخلفات پلاک خودرو

برخی از اعمال قانون ها به صورت رفع اثر (رفع مخدوشی پلاک) است

هفته‌شماره‌ای

گزارش



حاشیه های دنباله دار تبلیغات تلگرام

هر اتفاقی در فضای مجازی می تواند تبدیل به قلابی برای کلاهبرداران شود تا از این طریق بهره ببرند. ماجرای تبلیغات تلگرام هم از این دست قلاب هاست که پلیس فنادر مورد آن هشدار داده تا شاید جلوی زیان بیشتر را

بگیرند. بیش از این هشدار با تأخیر، کم نبودند کانال های خبری و رسانه ای ایرانی و فعال در تلگرام که با قراردادن پیام های مستمر در کانال تلگرامی شان تلاش می کردند تا خط خودشان را از این تبلیغات جدا کنند. اگر بخواهیم

کولبری در اکسپلور

گفت و گو با بلاگر کولبری که بارهای سنگین را با استوری های پر بازدید از نقطه صفر مرزی تا هزار توی فضای مجازی می کشاند

گزارش

سحر جعفریان عصر | روزنامه نگار | کمی بعد از نیمه شب، محسن با ۷۰ کیلوگرم بار یکی به کول داشت، رسید کمرکش وزنه کوه، راه، سخت و تاریک بود و هوا سرد، باد هو می کشید و گرگی هم دور تر، وزه، آن حوالی را خوب می شناخت؛ درست مثل کل دست. اول، چند قدم کوچک به چپ و بعد، از شیب ۴ صخره ناصاف بالا رفت تا برسد به پشت همان خورش (سنگ سیاه به گویش کردی) بزرگ که به قد، یکی دو متر فرورفتگی دارد و پناهگاه کولبران معبر کوهستانی وزنه است. محسن، جلدی جایگز فرورفتگی سنگی شد؛ نه به خاطر خستگی و سرما و نه حتی به خاطر احتمال خطر سقوط وحمله گرگ؛ فقط به خاطر وقت که تنگ بود. باید زود از آنباکسینگ بار کولبری اش، عکس برمی داشت و فیلم می گرفت. دستش از سرما کم زور شده بود و جفت استخوان های ساق پا یش تیر می کشید. با این حال، نگران الگوریتم و زمان طلایی بازدید، لایک و فالوگیری صفحه خود در یکی از شبکه های اجتماعی بود. تلفن همراه را یک طرف فرورفتگی سسنگی و حلقه نور کوچک را طرف دیگر گذاشت: «خب، سفارش مشتری عزیزمون موجود شد؛ کتری برقی سبز یاستیلی، اسبرسوساز صورتی، توستر آبی مات و سوداساز آبیالویی. همگی از برند لوکس...» این روایتی بود از محسن محمدی، یکی از بلاگر کولبران که بارهای سنگین و فراوان کولبری را از نقطه صفر مرزی تا مارتکنینگ دیجیتال کول می کند. با او از تقابل متفاوت رنج کولبری و الگوریتم شبکه های اجتماعی، زمان طلایی بازدید و لایک برای بارهای پینه انداخته به دوش اش گفت و گو کردیم.

راه های رفته یک کولبر

کمربیش به پیچ و خم بسیاری از معبرهای کولبری آشناست؛ از سردشت و پیرانشاه، آذر بایجان غربی، بانه و مریوان و سفر کردستان، پاره و سرپل ذهاب کرمانشاه، زایل و دهستباری سیستان و بلوچستان تا نهندان خراسان جنوبی. محسن محمدی کولبر ۲۸ ساله، ابتدای گفت و گو با همشهری از چرایی بلدی راه های مختلف کولبری می گوید: «از ۱۳ سالگی بار کشیدم. اون اولاً، بعضی روزا ۲ راه می رفتم. از سیگار و ادکلن بار به پشتم بستم تا ظرف، تلوزیون، لباسشویی و این و اون هر بیشتر موبایل، سرشونه هم به پینه های کلفت بسته رگ پاهام همیشه با پاراسی یا بیرون زده. از همه راه ها هم که بگید رفتم؛ قدم رو و مال رو.» گفت و گو را اینگونه پیش می برد: «توی سیدلو (روستایی در شهرستان بانه، استان کردستان) هیچ شغلی نیست. از اول هم هیچ شغلی نبود. ۱۰۰ کیلومتر از هر سمتش هم دور شید، باز شغلی جز کولبری پیدا نمی کنید. بچم که بودیم دوست داشتیم کولبر شیم. اون وقت چشم من فقط زور و بازوی کولبرا رو می دید.» از نخستین بار کولبری اش هم می گوید: «به تابستونی بود که ۶۰ کیلو قهوه رو با سوران، دوستم از روستای هنگه زال کردستان، توی نقطه صفر مرزی (عراق) بار زدیم. دیکه بمونه که ناشی بودیم و ۲ روز سر گردون تو گرندهای کوه، گشنه و شنه می چرخیدیم.»



مکت

و ناگهان، بلاگر کولبری

۲ سال قبل، کرکره صفحه کسب و کارش را با عنوان «کولبرم و پلاگر» در یکی از شبکه های اجتماعی بالا داد: «باید کاربرا رو به مشتری تبدیل می کردم. اول لازم بود اعتمادشون جلب شه، بعدم، پاور کتن که خرید از من براشون به صرفه تره تا طبق عادت برن سراغ خرید از بازارای عمومی؛ چون من هم جنس اورچینال می فروشم بهشون و هم اینکه قیمتان دست کم، ۷۰ تا ۱۰۰ میلیون تومن کمتر از تعرفه همه بازاراست.» اوایل، جز دوست و آشنا، دنبال کننده زیاد و دوری نداشت. در بهترین حالت شاید کمتر از هزار نفر بست و استوری های او را می دیدند. از طرفی، محسن خیلی از کار تولید محتوا و الگوریتم شبکه های اجتماعی سردر نمی آورد: «تمی دوستم سوداوری بعد از وایرال شدنن چیه یا فالوئرا چطوری زیاد می شن... فقط می دونستم که دنبال نون حلالم. برای همین ویدئو هایی از واقعیت و عجایب کارم بار گذاری کردم؛ از خاص ترین بار مثل پارچه های طلازد شده، گرون ترین مثل اسباب چهریزه، سسنتی ترین مثل یخچال، پر فروش ترین مثل موبایلی برند، از سسختی معبرای کولبری، از کسولاک و توفسان، از راهبندی مریزبونا، از کولبر همسایه که موقع کوله بری افتاد ته دره و قطع نخاع شد، از شیربویی و خیلی چیزای دیگه.» آنباکسینگ بعضی کالاها را به مادرش می سپارند: «جوودش برام برکت داره.» معمولاً ویدئو هایی که مادرم توشون هست، بیشترین بازدید و لایک رو می گیره... هنوز هم با اختلاف، اون ویدئو که مادرم به پیج میچ خورده بام مرهم می داره، بیشترین لایک رو داره.» حالا مشتری بارهای کولبری محسن از تهران و مشهد تا گیلان و یزد صف کشیده اند، جنگ اما نمی گذارد سفارش ها به موقع تحویل داده شوند و درد پا و کمر خمیده اش هم سهمی منفی در بازار متفاوت او دارد.

